رخداد

پلیس به دنبال دختری با کفش‌های کتانی

■ **شرق:** پلیس در جست‌وجوی دختر هفت‌ساله‌ای است که از زمستان سال گذشته ناپدید شده است. به گزارش خبرنگار ما مردی روز ۱۴ دی سال گذشته با حضور در پلیس آگاهی تهران از مفقود شدن دخترش خبر داد و گفت: «چند روز پیش بود که دختر هفت‌ساله‌ام به نام زهرا ساعت ۱۰ صبح از منزل خارج شد و از آن زمان دیگر بازنگشت. دخترم موقع بیرون رفتن از خانه علاوه بر روسری سبزرنگ، لباس قرمز و یک شلوار نارنجی‌رنگ به تن داشت و کفش‌های کتانی قرمز پوشیده بود.» کارآگاهان با توجه به وضعیت مالی خانواده زهرا که پدرش کارگر یک شرکت تولیدی است، احتمال آدم‌ربایی برای اخاذی را اندک دانستند، ضمن آنکه هیچ‌گونه تماسی در این خصوص با والدین زهرا انجام نگرفته بود. ماموران سپس به جست‌وجو در بیمارستان‌ها و همچنین پزشکی قانونی پرداختند اما به نتیجه مشخصی دست پیدا نکردند سپس مشخصات زهرا که دختری با قد ۱۲۰ سانتی‌متر است به همراه عکس وی در اختیار مراکز بهزیستی قرار داده شد اما از این اقدام نیز نتیجه‌ای حاصل نشد. سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران در این رابطه گفت: «روز پنجشنبه هفدهم فروردین خبری با موضوع مفقود شدن پسری ۱۰ساله در روزنامه‌های کثیرالانتشار چاپ شد که همین اطلاع‌رسانی باعث شد پسر ۱۰ساله از طریق تماس یکی از شهروندان پیدا و به خانواده خود بازگردانده شود». وی ادامه داد: «این بار نیز تصویر دختر هفت‌ساله به درخواست پلیس و موافقت مقام قضایی منتشر می‌شود و از شهروندانی که موفق به شناسایی او شده‌اند و اطلاعاتی درخصوص وی دارند، درخواست می‌شود اطلاعات خود را در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران قرار دهند.»

ربودن نوجوان ۱۲ساله برای اخاذی

■ **پلیس‌خبر:** مردی که پسر ۱۲ ساله‌ای را با انگیزه اخاذی از پدرش ربوده بود، دستگیر شد. سرهنگ «خلیل واعظی» جانشین فرماندهی انتظامی استان «ایلام» در این‌باره گفت: کارآگاهان در پی اطلاع از ربوده شدن نوجوانی تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کردند. سرهنگ واعظی گفت: تحقیقات محلی از شاهدان حادثه این فرضیه را برای پلیس به وجود آورد که رباینده از اقوام یا آشنایان مقتول است و پسربچه بدون هیچ‌گونه مقاومتی با وی همراه شده است. این مقام انتظامی اضافه کرد: نتیجه تحقیقات نشان از خروج متهم از استان داشت سپس ماموران به محل اختفای او رفتند و وی را ۱۶ ساعت بعد از آدم‌ربایی دستگیر کردند. وی افزود: متهم پس از چهار روز مقاومت لب به اعتراف گشود و گفت به قصد باج‌خواهی دست به این اقدام زد.

پای سارق بدشانس حین سرقت شکست

■ **ایسنا:** ماموران، سارق منزلی را که حین فرار از محل سرقت از ناحیه پا دچار شکستگی شده بود دستگیر کردند. به گزارش ایسنا، ماموران کلانتری ۱۰۳ گاندی در ۲۱ فروردین سال‌جاری از طریق دریافت پیام از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان دستگیری سارقی در یک منزل قرار گرفتند که آنان پس از دریافت خبر به محل حادثه در خیابان دانشگاه اعزام شدند. ماموران کلانتری با حضور در صحنه حادثه دریافتند که مردی قصد سرقت از منزلی را داشت اما حین فرار و پریدن از روی دیوار از ناحیه پا دچار شکستگی شده است که ماموران کلانتری پس از دستگیری این سارق او را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده که این سارق پس از بهبودی برای انجام تحقیقات پلیسی به کلانتری منتقل شد. متهم در اعترافات خود در مورد شیوه و شگرد سرقت خود عنوان کرد که با پرسه‌زدن در محلات مختلف و شناسایی محل‌های خلوت و منازل خالی از سکنه از طریق بالارفتن از دیوار یا لوله‌های گاز وارد حیاط خلوت ساختمان‌ها شده و پس از بازکردن در منازل مسکونی اقدام به سرقت طلا و اشیای قیمتی کم‌حجم می‌کرد. ماموران کلانتری در ادامه تحقیقات از متهم دریافتند که این سارق روز سرقت به داخل این منزل رفته که حین سرقت وسایل، متوجه حضور صاحبخانه می‌شود که با استفاده از گاز اشک‌آور و چاقو صاحبخانه را تهدید می‌کند. تحقیقات نشان داد که این متهم پس از ورود به حیاط قصد داشت خود را از بالای دیوار به کوچه برساند که پس از پریدن از روی دیوار از ناحیه پا دچار شکستگی شده و زمینگیر می‌شود. به گزارش ایسنا ماموران کلانتری در بررسی سوابق متهم دریافتند که وی یکی از سابقه‌دارترین متهمان در زمینه سرقت منزل است که تا به حال ۳۰ بار از سوی پلیس دستگیر شده است.

بخشش قاتل در مراسم خون صلح

■ **ایسنا:** آیین خون صلح در روستای «کانی ساتیار» شهرستان جوانرود برگزار شد و خانواده مقتول از خون قاتل گذشتند. این مراسم پس از گذشت سه سال از وقوع قتل برگزار شد. مصطفی عظیمی، فرماندار جوانرود، در این آیین با قدردانی از خانواده مقتول گفت: مراسم خون صلح نشانی از احترام مردم این دیار به سنت‌های نبوی و اسلامی است. بنا بر این گزارش نزاعی سه سال پیش میان بین عمو و برادرزاده به وقوع پیوست و فردی که قصد داشت میانجیگری کند به ضرب گلوله عادل به قتل رسید.

رویای مهاجرت، مرد را قاتل کرد

■ متهم در دادگاه اتهام کشتن خواهرزن سابقش را پذیرفت

عکس: شرق

شرق: وقتی مرد جوان به قصد مهاجرت همسرش را طلاق داد، نمی‌دانست مدتی بعد پشیمان می‌شود و این ندامت قتلی را رقم خواهد زد. به گزارش خبرنگار ما، این متهم که دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری‌استان تهران حاضر شد، گفت رویای رفتن به خارج از کشور زندگی او را نابود کرد. در ابتدای جلسه محاکمه، ذبیح‌زاده نماینده دادستان تهران در جایگاه حاضر شد و در توضیح کیفرخواست گفت: محمد -متهم پرونده -در تاریخ دهم دی دو سال قبل زنی به نام رعنا را که خواهر همسر سابقش بود با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند و همسر سابقش سمیرا را هم زخمی کرد. بنا بر آنچه در پرونده آمده است، محمد بعد از اینکه از همسرش سمیرا جدا شد، به خارج از کشور رفت اما پشیمان شد و به ایران برگشت. او بعد از بازگشت سراغ همسر سابقش رفت و از او درخواست کرد دوباره با هم زندگی کنند اما سمیرا قبول نکرد و همین هم باعث درگیری بین آنها شد. نماینده دادستان ادامه داد: «روز حادثه متهم به خانه همسرش رفت، در آنجا مخفی شد و بعد از اینکه اعضای خانواده سمیرا وارد خانه شدند ابتدا رعنا را با ضربات چاقو زد و سپس به سمت همسرش رفت و او را هم زخمی کرد. سمیرا به طرز معجزه‌آسایی نجات پیدا کرد اما رعنا در دم جان باخت.» ذبیح‌زاده ادامه داد: به عنوان نماینده دادستان تهران درخواست دارم با توجه به مدارک موجود در پرونده محمد به اتهام قتل عمدی رعنا، شروع به قتل سمیرا و ایراد ضربات متعدد بر بدن این زن محاکمه و حکم قانونی در این خصوص صادر شود. سپس اولیای‌دم در جایگاه حاضر شدند و درخواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه سمیرا در برابر قضات ایستاد و گفت: من و همسرم ۱۴ سال با هم زندگی کردیم اما دیگر خسته شده بودم. نمی‌توانستم کارهایی را که همسرم می‌کرد تحمل کنم. او بارها هرچه را به دست آوردیم فروخت تا به خارج از کشور برویم اما هر دفعه مشکلی پیش آمد. دیگر نمی‌خواستم از زیر صفر شروع کنم. وقتی محمد گفت دوباره راهی پیدا کرده که به خارج از کشور برود اما باید مجرد باشد من قبول کردم از هم جدا شویم. توافقی از هم جدا شدیم و حضانت پسرم به من سپرده شد. محمد همه اموالش را دوباره فروخت و این بار به ترکیه رفت. می‌خواست از مرز ترکیه به یونان برود و پناهندگی بگیرد. او هر روز از ترکیه به من زنگ می‌زد و یک چیز می‌گفت. بار آخر هم گفت او را در مرز یونان گرفته‌اند و از من خواست مدارکی برای برادرش ببرم تا به ترکیه برساند و آزاد شود. سمیرا ادامه داد: از وقتی که از محمد جدا شده بودم او مرتب من را تهدید می‌کرد به همین دلیل هم خواهرم رعنا پیش من آمده بود تا مشکلی پیش نیاید. تا اینکه یک هفته قبل از حادثه یک روز صبح داشتم غذا آماده می‌کردم که یکدفعه خواهرزاده‌ام گفت محمد اینجاست. وقتی دیدمش خیلی حالم بد شد. متوجه شدم وقتی پسرم صبح زود برای رفتن به مدرسه در را باز کرده بود محمد وارد خانه شد. با ترفندی از منزل خارج شدم و دیگر برنگشتم. به محمد گفتم تا از خانه نروی برنمی‌گردم. او هم خانه من را ترک کرد. آنقدر می‌ترسیدم که هربار به وارد منزل می‌شدم همه جا را می‌گشتم. آخرین باری که با محمد صحبت کردم وقتی دید درخواستش از من برای شروع زندگی دوباره به جایی نمی‌رسد طلب پول کرد. من حتی قبول کردم که پول بدهم اما شب حادثه او خود را در خانه مخفی و اول به خواهرم حمله کرد و او را زد بعد هم من را زد. سمیرا گفت: محمد آنقدر به خارج رفتن فکر می‌کرد که حتی پیشنهاد داد من از او جدا شوم و با پسردایی‌ام که در نروژ است ازدواج کنم و بعد از او جدا شوم و برای محمد دعوتنامه بفرستم. او حتی به من هم به عنوان یک وسیله برای رفتن به خارج فکر می‌کرد. در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهامش را قبول کرد و گفت: من دوست داشتم در خارج از کشور زندگی کنم و فکر می‌کردم آنجا خوشبخت می‌شوم. وقتی تلاش‌هایم بی‌نتیجه ماند، تصمیم گرفتم پناهنده شوم. سمیرا را هم صوری طلاق دادم چون به من گفته بودند باید مجرد باشی تا بتوانی پناهنده شوی. وقتی درخواست پناهندگی‌ام هم به نتیجه نرسید، تصمیم گرفتم دوباره به زندگی‌ام برگردم اما سمیرا قبول نمی‌کرد. او حتی قبول نمی‌کرد با من حرف بزند. روز حادثه هم چاقو خریده بودم که خودم را بکشم اما از خود بی‌خود شدم و وقتی که رعنا من را دید و فریاد زد نمی‌دانم چرا او را زدم. بنا بر این گزارش بعد از پایان جلسه محاکمه هیات قضات (عبداللهی، اروین، قاسمی، رسولی و رستمی) برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

قتل پسر جوان به دلیل رابطه با زن متاهل

شرق: مامور پلیس که در یک درگیری خونین جوان مورد علاقه همسرش را به قتل رسانده بود در دفاعیاتش ادعا کرد مقتول بر اثر ضربات او به قتل نرسیده است. به گزارش خبرنگار ما، متهم که سعید نام دارد ادعا کرد وقتی با مقتول روبه‌رو شد او را با زنجیر و پنجه‌بوکس زد و هیچ ضربه‌ای به سر وی نزده است. در ابتدای جلسه محاکمه که دیروز در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری‌استان تهران برگزار شد روشن نماینده دادستان، کیفرخواست را خواند و گفت: ماموران پلیس در تاریخ ۲۶ تیر سال ۸۷ در جریان قتل جوانی به نام نیما در بازارچه‌ای در کرج قرار گرفتند. زمانی که پلیس در محل حاضر شد مشخص شد این جوان درجا جان باخته است. شاهدان گفتند نیما با مرد جوان دیگری درگیر شد و آن مرد آنقدر نیما را زد که او جان داد. تحقیقات پلیس ادامه داشت تا اینکه سعید خود را معرفی کرد و گفت ضارب نیماست. سعید بعد از اینکه به رابطه پنهانی همسرش با نیما پی برد با نیما قرار گذاشت و او را به قتل رساند. نماینده دادستان در ادامه درخواست صدور حکم قانونی کرد و سپس اولیای‌دم مقتول در جایگاه حاضر و خواستار صدور حکم قصاص شدند. پدر مقتول گفت: پسرم با زنی رابطه برقرار کرده بود. او نمی‌دانست این زن شوهر دارد. او گفته بود، می‌خواهد با پسر من ازدواج کند. بعد از قتل نیما بود که متوجه شدم آن زن شوهر دارد. سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: مدتی بود که متوجه شده بودم همسرم تلفن‌ها و پیامک‌های مشکوک دارد اما هربار که از او توضیح می‌خواستم جواب درستی نمی‌داد تا اینکه تصمیم گرفتم پرینت تلفن همسرم را بگیرم. با این کار شکی که نسبت به او داشتم به یقین تبدیل شد. شب که به خانه رفتم دوباره متوجه شدم همسرم تلفن مشکوکی دارد. او جلو من با تلفن صحبت نمی‌کرد. دو بار تلفنش زنگ زد و جواب نداد. چند پیامک برایش آمد باز هم جواب نداد، خواستم گوشی را بگیرم و ببینم چه کسی به زنم زنگ می‌زند که او مقاومت کرد و پیامک‌ها و شماره‌ها را حذف کرد. من گوشی را از او گرفتم و سر این موضوع دعوا کردیم. زنم قهر کرد و به خانه پدرش رفت. یک ساعتی گذشت. دوباره پیامکی به شماره همسرم آمد. شماره ناشناسی نوشته بود که چرا جواب پیامک‌هایم را نمی‌دهی. فهمیدم همان شخصی است که همسرم با او ارتباط دارد. من هم با شماره همسرم جواب دادم، نمی‌توانم حرف بزنم. دوباره جواب آمد می‌خواهی گریه کنم. دیگر برایم روشن شده بود کسی که به زنم پیامک می‌دهد یک پسر است. یک ساعت بعد دوباره زنگ زد. گوشی را روشن کردم اما حرف نزدم پسر جوان قطع کرد. دوباره پیامک داد که فردا در میدان آزادگان منتظرم. من هم جواب دادم می‌آیم. متهم به قتل ادامه داد: صبح که داشتم سرکار می‌رفتم یک پنجه بوکس با خودم برداشتم تا اگر درگیری ایجاد شد، بتوانم از خودم دفاع کنم اما بعد پشیمان شدم و سر قرار نرفتم. دوباره پیامک داد که چرا نیامدی، گفتم با خواهرم در میان‌جاده هستم. گفت مقابل باشگاه انقلاب بیا. از باشگاه انقلاب تا میان‌جاده راهی نبود. قبول کردم اما از آنجایی که باشگاه انقلاب خلوت است، گفتم در بازار می‌بینمت. بعد به سمت بازار حرکت کردم. وقتی به محل رسیدم چون همدیگر را ندیده بودیم او را نشناختم. دوباره پشیمان شدم و زنجیر موتورم را باز کردم که حرکت کنم و بروم یکدفعه متوجه دو جوانی شدم که پشت سر من داشتند با هم حرف می‌زدند. یکی از آنها گفت کارت تلفن داری بهش زنگ بزنم. توجهم به کیوسک تلفن جلب شد. او شماره همسر من را گرفت و تلفن زنگ خورد. پسر جوان برگشت و من را نگاه کرد. او هم فهمید تلفن همسرم در دست من است. نگاهم کرد و گفت اشتباه فکر می‌کنی. بعد فرار کرد من هم دنبالش دویدم در حالی‌که زنجیر موتور هم با من بود. بیرون بازار او را گرفتم و با پنجه‌بوکس به کتفش ضربه‌ای زدم. من را هل داد تا دوباره فرار کند اما این‌بار با زنجیر او را زدم. زمین خورد و از پشت سرش به پله شکسته‌ای که آنجا بود برخورد کرد و صدای مهیبی داد. متهم ادامه داد: من مامور پلیس هستم و موارد مزاحمت‌های تلفنی را چندین بار پیگیری کرده بودم و به این جوان هم به چشم یک مزاحم نگاه می‌کردم و به غرورم برخورده بود که با همسرم رابطه برقرار کرده بود. حتی وقتی صدای سرش را شنیدم، فهمیدم مرده است چون در صحنه‌های قتل هم حاضر شده بودم اما مرتب به خودم دلداری می‌دادم او زنده است. من نمی‌خواستم او را بکشم، اگر می‌خواستم این کار را بکنم در جای شلوغ قرار نمی‌گذاشتم. من همیشه مسلح هستم آن روز حتی سلاحم را نبردم که دست به کار خطرناکی نزنم. متهم در پاسخ به ادعای شاهدان که گفته بودند او به سر مقتول ضربه زده است، گفت: من اصلا به سرش ضربه نزدم و ضرباتی که وارد کردم به کمر و کتفش بود. قسم می‌خورم قصد کشتن او را نداشتم. فقط خواستم عصبانیتم را نشان دهم. بنا بر این گزارش بعد از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

مادر و دختر قربانی اسیدپاشی در انتظار کمک‌های مردمی

عکس‌ها: ایسنا

شرق: مادر و دختری که توسط پدر خانواده با اسید سوزانده شده‌اند همچنان برای درمان خود با مشکلات مالی مواجه هستند. این در حالی است که متهم در بازجویی‌ها جرمش را انکار کرده و برادرش را عامل اسیدپاشی معرفی کرده است. زن ۲۴ساله که سمیه نام دارد و از اهالی «ترماشیر» بم است شش سال قبل با مردی به نام امیر ازدواج کرد و در این مدت صاحب دو دختر شد. فرزند بزرگ این زن به نام نازنین اکنون چهار ساله و دختر کوچکش، رعنا ۲/۵ساله است. سمیه از مدتی قبل با شوهرش دچار اختلاف شده بود تا اینکه یکی از روزهای اردیبهشت سال گذشته امیر روی صورت سمیه و رعنا اسید پاشید. در پی این اتفاق رعنا از یک چشم نابینا شد و مادر او نیز اکنون مشکل بینایی دارد اما به دلیل مشکلات مالی روند درمان آنها با کندی پیش می‌رود. پدر سمیه درباره این حادثه می‌گوید: «من از همان اول با ازدواج دخترم و امیر مخالف بودم و سه ماه هم مقاومت کردم اما سمیه عاشق امیر شده بود و تهدید می‌کرد اگر با ازدواج او موافقت نکنم خودش را می‌کشد من هم به ناچار رضایت دادم.»امیر مردی سابقه‌دار بود که به کراک و شیشه نیز اعتیاد داشت. پدر سمیه توضیح می‌دهد: «او سر کار نمی‌رفت و مردم را به باغ‌ها می‌کشاند و با تهدید چاقو و قمه از آنها زورگیری می‌کرد اما ما از این اوضاع خبر نداشتیم.» امیر خیلی دخترم را اذیت می‌کرد و او را کتک می‌زد ولی سمیه در این‌باره به ما چیزی نمی‌گفت. فقط دو روز قبل از اسیدپاشی فهمیدیم دخترم و شوهرش به بم رفته‌اند. از سمیه پرسیدم بم چه کار داشت و او گفت امیر می‌خواست طلاقش بدهد. من با او دعوا کردم که چرا به ما اطلاع نداده بود.»امیر بعد از مدت‌ها کشمکش با سمیه به این توافق رسیده بود که از هم جدا شوند برای همین هم آن روز راهی دادگاه خانواده شدند اما در حیاط دادگاه امیر از تصمیمی که گرفته بود پشیمان شد. البته ماجرای طلاق توافقی پشت پرده‌ای هم داشت. پدر سمیه می‌گوید: «برادر امیر به اسم علی به دخترم علاقه‌مند شده و به امیر گفته بود بعد از طلاق آنها می‌خواهد با سمیه ازدواج کند اما دخترم نمی‌خواست این اتفاق بیفتد.»دو روز بعد از منتفی شدن طلاق اسیدپاشی رخ داد. آن شب سمیه دختر کوچکش را پیش خود خوابانده بود که ناگهان با سوزش شدیدی از خواب بیدار شد و وقتی به حیاط دوید تا صورتش را بشوید متوجه شد موهایش کنده می‌شود. رعنا نیز در این اسیدپاشی به شدت آسیب دیده بود. این مادر و دختر که ابتدا تصور می‌شد دچار برق‌گرفتگی شده‌اند بعد از انتقال آن دو به بیمارستان پزشکان تشخیص دادند اسیدپاشی اتفاق افتاده است. بعد از آن ماموران نیروی انتظامی تحقیقات خود را آغاز و با توجه به گفته‌های سمیه شوهر او را بازداشت کردند. این مرد در بازجویی‌ها گفت: «من بی‌گناه هستم و برادرم علی این کار را انجام داده است.»ماموران در ادامه علی را دستگیر کردند اما او هم برادرش را گناهکار خطاب کرد و در نهایت در تحقیقات معلوم شد این دو با همدستی یکدیگر اسید را تهیه کرده و روی سمیه و رعنا پاشیده‌اند و به همین دلیل هر دو بازداشت شدند. در همان حال که تحقیقات قضایی پیرامون این پرونده ادامه داشت مادر و دختر نیز تحت درمان بودند اما چشم راست دختر خردسال کاملا نابینا شده بود و چشم دیگر او نیز در شرایط وخیمی قرار داشت. مادر او هم در اوضاع بغرنجی به سر می‌برد. پدر سمیه می‌گوید: «چشم راست نوه‌ام کامل باید تخلیه شود و برایش چشم مصنوعی بگذارند، چشم دیگر او هم به دلیل اسید تا مدتی باز مانده بود و خیلی طول کشید تا بتواند آن را ببندد. پزشکان گفته‌اند سمیه هم باید هفت یا هشت‌بار عمل جراحی شود تا بتواند دوباره ببیند اما ما پولی برای این عمل‌ها نداریم. دختر و نوه‌ام سه ماه در بیمارستانی در کرمان بستری بودند و تاکنون شش مرتبه هم برای درمان به تهران آمده‌اند و باز هم برای روز ۲۷ اردیبهشت باید به تهران بیایند تا ببینند چه کار می‌شود برایشان انجام داد.»این مرد ادامه می‌دهد: «من یک کشاورز ساده هستم که پنج پسر و چهار دختر دارم. بعد از اسیدپاشی نخلستان و موتور آبم را فروختم و خرج دوا و درمان دختر و نوه‌ام کردم. این دو نفر و نوه دیگرم نازنین الان با من زندگی می‌کنند. هزینه درمان‌شان زیاد است و از عهده آن برنمی‌آیم برای همین هم به کمک مردم احتیاج دارم. دفعه قبل که ماجرای این دختر در روزنامه شرق چاپ شد، شنیدم خیلی‌ها برای کمک اعلام آمادگی کردند. از همه آنها ممنون هستم و نمی‌دانم به چه زبانی تشکر کنم.»پدر سمیه اضافه می‌کند: «نوه‌ام شرایط بدی دارد. هر دفعه که با قطار به تهران می‌آییم بچه‌های دیگر وقتی او را می‌بینند، می‌ترسند. رعنا دیگر نمی‌تواند دوستی داشته باشد و مثل بچه‌های دیگر بازی کند. او همیشه شب‌ها تا صبح از درد ناله می‌کند و می‌گوید صورتش می‌سوزد و زنم به او رسیدگی می‌کند اما کار زیادی از دست ما برنمی‌آید.»این مادر و دختر اکنون در انتظار کمک‌های مردمی هستند تا شاید بتوانند از این دشواری‌ها نجات پیدا کنند. افرادی که تمایل دارند به این خانواده کمک کنند، می‌توانند مبالغ اهدایی خود را به حساب پدر سمیه به شماره ۴۱۹۹۱۳۱۵۷۸ بانک ملت نظام‌شهر با نام رضا مهری واریز کنند.

دستگیری دختر اسیدپاش

ایسنا: فرمانده انتظامی شهرستان ملایر از دستگیری دختری خبر داد که روی پسری که وی را اغفال کرده بود، اسید پاشید. سرهنگ ابراهیم سعیدی با اعلام این خبر گفت: ماموران پلیس آگاهی به دنبال دریافت گزارش از یکی از بیمارستان‌های این شهرستان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره اسیدپاشی، بلافاصله برای بررسی موضوع عازم بیمارستان شدند. وی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد پسر ۲۱ساله‌ای به نام «م.خ» از ناحیه دو چشم و سایر اعضای بدن مورد اسیدپاشی قرار گرفته و دچار سوختگی بیش از ۶۰درصد شده است. سعیدی اضافه کرد: در ادامه ماموران دریافتند اسیدپاشی توسط دختر ۱۸ساله‌ای به نام «ب.م» انجام شده که دستگیری وی در دستور کار پلیس قرار گرفت و در نهایت با هماهنگی قضایی، متهم دستگیر شد و تحت تحقیقات فنی پلیس قرار گرفت. سعیدی خاطرنشان کرد: متهم پس از اعتراف، انگیزه خود را از این اقدام جنون‌آمیز اغفال خود توسط فرد مصدوم عنوان کرد. سرگرد رضا دولت‌آبادی معاون اجتماعی فرمانده انتظامی ملایر نیز برخورد احساسی دختر جوان ملایری را عامل اصلی اسیدپاشی خواند و گفت: هم‌اکنون دختر جوان در بازداشت به سر می‌برد و پسر جوان برای درمان به تهران رفته است.

پنج قاره

کشف ظروف هزاره سوم قبل از میلاد

■ **پلیس‌خبر:** ظروف مربوط به هزار سوم قبل از میلاد در عملیات پلیس آگاهی شهرستان چابهار کشف و ضبط شد. ماموران بعد از دستگیری یک سارق در بازرسی از مخفیگاه او علاوه بر کشف اموال مسروقه ۱۴ قطعه ظروف قدیمی را نیز که شامل ۱۰ کاسه، یک عدد جام سرمه، دو عدد جام و یک عدد گلدان بود کشف کردند. در بررسی‌های کارشناسان میراث فرهنگی چابهار مشخص شد این ظروف قدیمی مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد است.

خودکشی بعد از قتل نامزد

■ **ایسنا:** مرد آمریکایی پس از شلیک گلوله به پنج افسر پلیس، خود و نامزدش را کشت. بنا بر اعلام پلیس ایالت «نیوهمپشایر» این مرد پس از به قتل رساندن یک افسر پلیس و مجروح‌کردن چهار پلیس دیگر دست به این اقدام زد. گزارش پزشکی قانونی ایالت «نیوهمپشایر» نشان می‌دهد این مرد پس از شلیک گلوله به سمت نامزدش، اسلحه را به طرف خود گرفته و دست به خودکشی زده است. ماموران پلیس پس از دریافت گزارشی مبنی بر وجود موادمخدر در منزل متهم برای بازرسی به خانه او اعزام شدند اما متهم پس از ورود این ماموران به روی آنان اسلحه کشید. پلیس جسد این زن و مرد را در حالی که از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته بودند، پیدا کرد.

زندگی کنار جسد مادر

■ **فرانس‌پرس:** یک دختربچه دوساله استرالیایی پس از مرگ مادرش به تنهایی به مدت پنج روز کنار جسد او به سر برد. ساکنان واگاواگا در حدود ۴۰۰ کیلومتری جنوب غربی سیدنی روز جمعه به امدادگران خبر دادند در یک خانه دختربچه‌ای دوساله را زنده در کنار جسد مادر حدود ۳۰ ساله‌اش یافته‌اند. هرچند این دختربچه آب زیادی از دست داده، میزان قند خونش خوب بود. هنوز علت مرگ مادر این دختربچه مشخص نیست. با توجه به اینکه این اتفاق بعد از عید پاک روی داده تصور می‌شود دختربچه از تخم‌مرغ‌های شکلاتی عید خورده و زنده مانده است.

سانحه رانندگی، قاچاقچیان انسان را به دام انداخت

■ **رویترز:** پلیس ایالت «تگزاس» آمریکا در پی کشته‌شدن ۹ مهاجر غیرقانونی در یک سانحه رانندگی هفت مظنون به قاچاق انسان را دستگیر کرد. راننده این خودرو که حامل ۱۹ مهاجر غیرقانونی بود هنگام فرار از دست ماموران گشت مرزی آمریکا کنترل خودرو را از دست داد. به گفته پلیس «تگزاس» یک پسر ۱۵ساله نیز در میان دستگیرشدگان بود که به احتمال زیاد هنگام حادثه او پشت فرمان بود. ماموران گشت مرزی آمریکا با دیدن این خودرو به آن مشکوک شدند و دستور توقف دادند اما فرار راننده و سرعت زیاد خودرو باعث واژگونی آن شد. مهاجران غیرقانونی که تبعه مکزیک هستند، قرار بود به شهر «ساریتا» در تگزاس منتقل شوند.

۲۰ نفر زیر آوار گرفتار شدند

■ **فرانس‌پرس:** دست‌کم ۲۰ نفر در پی فروریختن ساختمان یک کارخانه پتوبافی در شمال هند زیر آوار گرفتار شدند. ۹۰نفر در این کارخانه مشغول به‌کار بودند که سقف آن ناگهان فرو ریخت. نیروهای امدادی اعلام کردند، تاکنون ۷۰ نفر از کارگران نجات داده شدند و دست‌کم ۲۰نفر از آنها هنوز زیر آوارها مانده‌اند که تلاش برای نجات آنها ادامه دارد. این حادثه تاکنون تلفات جانی در بر نداشته است. براساس گزارش‌های شاهدان انفجار دیگ بخار سبب فرو ریختن سقف این ساختمان شد.

حادثه‌ها

خودکشی پسر ۱۱ساله به دلیل سختی درس‌ها

■ **مهر:** پسر ۱۱ساله به دلیل سخت بودن درس‌ها خودکشی کرد. شامگاه یکشنبه مرگ مشکوک پسر ۱۱ساله‌ای به ماموران کلانتری شهرک ولیعصر گزارش شد. ماموران پس از حضور در محل با جسد پسربچه‌ای روبه‌رو شدند که آثار کبودی روی گردنش مشهود بود. والدین پسر ۱۱ساله در جریان تحقیقات گفتند: امروز خارج از خانه بودیم. وقتی شب بازگشتیم با جسد حلق‌آویز پسرمان روبه‌رو شدیم. سریع او را پایین کشیدیم اما دیر شده بود. در ادامه یک نامه در کنار جسد پیدا شد که پسر دانش‌آموز در آن نوشته بود با توجه به سختی درس‌هایش و فشارهایی که به او وارد می‌شود خودکشی کرده است. با اعلام موضوع به قاضی دردوگر، بازپرس ویژه قتل تهران جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات در این زمینه را آغاز کردند.

جاعل حرفه‌ای باز هم به زندان افتاد

■ **پلیس‌خبر:** جاعل حرفه‌ای که به واسطه جعل اسناد و چک‌های بانکی چند بار به زندان رفته بود بار دیگر با شکایت یک مالباخته دستگیر شد. سرهنگ گل‌صباحی رییس پلیس آگاهی استان البرز در این‌باره گفت: ماموران پلیس آگاهی در پی ارجاع پرونده شکایتی با موضوع جعل چک پیگیری و رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. وی در ادامه اظهار داشت: در بررسی اولیه پرونده مشخص شد متهم پس از دریافت یک‌میلیون و ۵۰۰هزار تومان وجه نقد از شاکی به وی یک فقره چک جعلی تحویل وی داده است. ماموران در جریان بررسی پرونده و انجام تحقیقات گسترده و کارهای اطلاعاتی دریافتند متهم از جاعلان حرفه‌ای است که در زمینه جعل چک، کارت شناسایی، گواهی‌نامه و سایر اسناد دولتی فعالیت دارد و در سال‌های گذشته نیز چندین بار از سوی پلیس دستگیر شده است. سرهنگ گل‌صباحی افزود: ماموران منزل و پاتوق‌های متهم را در کرج شناسایی کردند و او را در یک عملیات غافلگیرانه در حالی‌که مشغول از بین بردن اسناد جعلی بود، دستگیر و در بازرسی از منزل وی تعداد زیادی اسناد مالکیت مجعول خودرو از جمله کارت خودرو، بیمه‌نامه، گواهی‌نامه، شناسنامه، مدارک تحصیلی و تعداد زیادی چک‌های بانکی کشف و ضبط کردند. رییس پلیس آگاهی استان البرز بیان کرد: متهم در بازجویی‌ها به جرم خود مبنی بر جعل تمامی اسناد مکشوفه و سوءاستفاده از آنها اعتراف کرد و پس از تشکیل پرونده و تحویل به مراجع قضایی با قرار وثیقه ۳۰میلیون ریالی روانه زندان شد.

شناسایی باند ۷ نفری خانوادگی سرقت

■ **شرق:** یک باند خانوادگی سرقت که ۵۰ فقره کیف‌قاپی در کارنامه‌اش دارد، متلاشی شد. سرهنگ «رضا احمدی» رییس پلیس آگاهی استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: ماموران در پی وقوع کیف‌قاپی‌های متعدد در سطح شهر اراک فعالیت خود را به صورت ویژه برای شناسایی و دستگیری سارقان آغاز کردند. وی افزود: در نهایت طی یک عملیات، اعضای این باند متشکل از چهار زن و سه مرد که از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار و عضو یک خانواده بودند در محل اختفای خود دستگیر شدند. وی در ادامه توضیح داد: در تحقیقات فنی و پلیسی سارقان به ۲۰ فقره سرقت محتویات کیف شهروندان در سطح شهر اراک و ۳۰ فقره در شهرهای «هواز»، «کرج»، «همدان»، «رومیه»، «ورامین»، «بروجرد» و «کرمان» اعتراف کردند. این مقام انتظامی ادامه داد: در این راستا تعدادی از مالباختگان شناسایی و اعضای باند با قرار قانونی روانه زندان شدند.

عامل قتل در قهوه‌خانه پای چوبه‌دار

■ **مهر:** پسر جوانی که در جریان درگیری در قهوه‌خانه مرتکب قتل شده بود با تایید حکم اعدامش در دیوان‌عالی کشور در یک‌قدمی چوبه‌دار قرار گرفت. ماموران پلیس تهران شامگاه ۱۲ دی سال ۸۹ از درگیری مرگباری در یک قهوه‌خانه باخبر و پس از حضور در محل با جسد پسر جوانی به نام حجت روبه‌رو شدند که با سه ضربه چاقو از پا درآمده بود. در ادامه جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران چند نفر از افراد حاضر در نزاع را شناسایی و دستگیر کردند. دستگیرشدگان در بازجویی‌ها با اعتراف به حضور در این درگیری پسر جوانی به نام حسن را به عنوان عامل جنایت معرفی کردند. حسن پس از دستگیری تحت بازجویی‌های پلیسی قرار گرفت. او در ابتدا منکر قتل شد اما به جرمش اعتراف کرد و گفت: شب حادثه یکی از دوستانم به نام حامد در قهوه‌خانه با مقتول درگیر شد من هم در هواخواهی از او وارد درگیری شدم. مقتول به طرفم حمله کرد و من در دفاع از خود او را با چاقو زدم. با اعتراف به قتل و بازسازی صحنه جنایت پرونده برای محاکمه به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد که قضات دادگاه با توجه به اعتراف متهم و درخواست اولیای دم، حسن را به قصاص محکوم کردند. حسن سپس به حکم مجازات خود اعتراض کرد که پرونده برای بررسی نهایی به دیوان‌عالی کشور فرستاده شد. قضات شعبه ۲۹ دیوان‌عالی کشور هم حکم مجازات را تایید کردند و پرونده برای اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی فرستاده شد.